بسمه تعالی

**موضوع**: واجبات رکوع /رکوع /صلاه

فهرست مطالب:

[صورت های عجز از انحناء تام در رکوع 1](#_Toc134462513)

[صورت پنجم 1](#_Toc134462514)

[صورت ششم 3](#_Toc134462515)

[دلیل مشهور بر رکوع جلوسی 4](#_Toc134462516)

[یک: اقرب بودن رکوع جلوسی 4](#_Toc134462517)

[دو: باب تزاحم 4](#_Toc134462518)

[صورت هفتم 4](#_Toc134462519)

[صورت هشتم 5](#_Toc134462520)

[صورت نهم 6](#_Toc134462521)

[دلیل بر ایماء به راس و عین 6](#_Toc134462522)

**خلاصه مباحث گذشته:**

در جلسه گذشته مساله دو از مسائل رکوع مطرح شد در ادامه مساله، صورت سوم و چهارم مطرح شد.

# صورت های عجز از انحناء تام در رکوع

بحث در صور عجز از انحناء تام در رکوع است. چهار صورت مطرح شد.

## صورت پنجم

دوران امر بین انحناء قیامی که صدق رکوع نمی کند و یا رکوع جلوسی ناقص که صدق رکوع می کند اما بنابر اینکه شرط شرعی رکوع جلوسی این است که صورت محاذی زانوان باشد، صورت را نمی تواند این قدر پایین بیاورد که محاذی باشد اما به حدی خم می شود که راکع صدق می کند و یا ایماء ایستاده کند

صاحب عروه فرمودند: انحناء قیامی کند ولو صدق رکوع نکند که اشکال کردیم این مقدار انحناء دلیل ندارد.

محقق سیستانی در این صورت مثل محقق خوئی فتوا دادند که ایماء کند اگرچه در جایی که رکوع ناقص قیامی صدق رکوع می کرد، اختلاف داشتند اما در جایی که صدق رکوع قیامی نکند و صرفا انحناء دارد، محقق سیستانی رکوع جلوسی را قبول ندارند و مثل محقق خوئی قائل به ایماء شدند.

برخی گفتند: رکوع ناقص جلوس بر ایماء مقدم است و به نظر ما هم مقتضای صناعت همین است؛ چون اگر دلیل ایماء اطلاق داشت، کسی که توانایی قیام دارد، رکوع قیامی کند و اگر نمی تواند ایماء کند، مشکلی نبود و اینجا قائل به ایماء می شدیم اما دلیل مشروعیت ایماء اطلاق ندارد نسبت به کسی که متمکن از رکوع جلوسی ولو رکوع جلوسی عرفی است.

بله نسبت به رکوع جلوسی به عنوان رکوع جلوسی اطلاقی نداریم اما دلیل اصل رکوع مثل ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا﴾[[1]](#footnote-1) یا «إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ الرُّكُوعَ وَ السُّجُودَ»[[2]](#footnote-2) خطابش شامل این فرد می شود و فرض این است که رکوع قیامی نمی تواند انجام دهد و ایماء هم اطلاق ندارد؛ لذا مصداق آن به رکوع جلوسی منحصر می شود و شرط رکوع جلوسی بر فرض طبق نظر مشهور این است که صورت محاذی زانوان باشد اما این شرط عرفا میسور نیست و مضطر به ترک است اما عرفا اصل رکوع جلوسی را که مضطر به ترک نیست و باید به مقداری که مضطر است، خلل وارد کند؛ لذا مقتضای صناعت رکوع جلوسی است اما مقتضای احتیاط جمع بین دو نماز با ایماء و رکوع جلوسی است.

اینکه محقق خوئی و محقق سیستانی فرمودند: «إِذَا قَوِيَ فَلْيَقُمْ»[[3]](#footnote-3) دلالت می کند بر اینکه باید ایستاده نماز خواند و اگر قادر بر رکوع قیامی نیست، ایستاده ایماء کند، به نظر ما این ادله ناظر به نماز متعارف است که اگر می توانید ایستاده نماز با رکوع تام قیامی انجام دهید و نسبت به کسی که نمی تواند رکوع قیامی انجام دهد، اطلاق ندارد.

محقق نائینی به قاعده میسور تمسک می کنند اما جایی که قادر بر رکوع قیامی نباشد، امر دائر بین رکوع ناقص جلوسی و ایماء باشد که در مساله 3 عروه آمده است:

«إذا دار الأمر بين الركوع جالساً مع الانحناء في الجملة و قائماً مؤمياً لا يبعد تقديم الثاني و الاحوط تکرار الصلاه»[[4]](#footnote-4)

صاحب عروه فرمودند: بعید نیست که بگویم ایماء کند اما محقق نائینی حاشیه زدند: بل الاول یعنی رکوع جلوسی ناقص در ادامه مساله صاحب عروه فرمودند: احتیاط این است که نماز را تکرار کند اما مرحوم آقای حکیم و مرحوم آل یاسین فرمودند: لایترک یعنی این احتیاط ترک نشود. پس اینکه رکوع جلوسی ناقص بر ایماء مقدم است را محقق نائینی هم فرموده است و مقتضای صناعت هم همین است.

این حدی که در عروه برای رکوع جلوسی تعیین کردند که صورت به محاذات رکبتن برسد را ما قبول نداریم و همین که عرفا بگویند رکوع کرده است، کافی است؛ لذا برای رکوع جلوسی اختیارا هم می شود ناقص انجام داد و این حد را رعایت نکرد و عملا این رکوع تام جلوسی می شود.

اگر کسی در اطلاق ادله‌ای مثل ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا﴾[[5]](#footnote-5) تشکیک کند، در این موارد دلیل ندارد و اصل نماز هم که ساقط نیست، با اصل عملی باید تعیین وظیفه کرد؛ اگر علم اجمالی دارد که یکی از این دو نماز تعیینا واجب است، باید احتیاط کند و اگر احتمال تخییر بدهد، دوران بین تعیین و تخییر است و اگر مبنای برائت از تعیین هر کدام را قبول کنیم، نتیجه تخییر است اما اگر مثل محقق زنجانی قائل به عدم جریان برائت شدیم، باید احتیاط کرد؛ اما به نظر ما این خطابات قانونیه است و از این موارد نادر انصراف ندارد و الا اگر منصرف باشد، در موارد زیادی دچار مشکل می شویم.

پس در صورت پنجم ما قائل شدیم که احتیاط کند و دو نماز بخواند یکی با ایماء و دیگری با رکوع جلوسی باشد.

اگر کسی بخواهد در یک نماز احتیاط کند به اینکه اول ایماء کند و بعد رکوع جلوسی انجام دهد، به نظر ما که وظیفه رکوع جلوسی است، اشکال ندارد ایماء به رکوعش رجاءا باشد و صدق زیاده نمی کند، اما کسی که متحیر است و احتمال می دهد ایماء واجب باشد، این بحث مطرح است که فقط رکوع شرعی ماموربه صدق زیاده می کند (که محقق خوئی در این بحث می فرمودند) در این مبنا، این فرد وظیفه اش ایماء است و این رکوع ناقص جلوسی وظیفه اش نیست و زیاده رکوع مامور به حاصل نمی شود اما اگر مثل ما قائل شدیم که زیاده رکوع عرفی مبطل است، در صورت تحیر در وجوب ایماء یا رکوع ناقص جلوسی، احتیاط به تکرار نماز است و ظاهر ایماء به رکوع، ایماء در حال قیام است و با ایماء به سجود فرق می کند که در سجود، ایماء به سجود مشروط به قیام نیست که این مطلب را محقق خوئی هم فرموده اند.

## صورت ششم

در این صورت اصلا انحناء قیامی ممکن نیست و دوران بین رکوع تام جلوسی و بین ایماء در حال قیام است، مشهور مثل صاحب عروه فرمودند: رکوع جلوسی انجام دهد.

محقق خوئی و محقق سیستانی فرمودند: ایماء در حال قیام کند.

محقق حکیم و حاج شیخ عبدالکریم حائری فرمودند: احتیاط واجب تکرار نماز با ایماء و رکوع جلوسی است.

### دلیل مشهور بر رکوع جلوسی

ادله مشهور بر رکوع جلوسی را باید بررسی کرد و ما هم با مشهور در این مساله هم نظر هستیم.

#### یک: اقرب بودن رکوع جلوسی

نماز با رکوع جلوسی اقرب به نماز با رکوع قیامی است و نماز با ایماء ابعد از نماز با رکوع قیامی است.

این دلیل تمام نیست؛ چون الاقرب و الابعد میزان فقهی ندارد و اگر میخواهید بگوید الاقرب میسور است که کبرای قاعده میسور مورد پذیرش نیست.

#### دو: باب تزاحم

بین وجوب رکوع که رکن است و وجوب قیام که رکن نیست، تزاحم شده است. قیام متصل به رکوع برای کسی که رکوع قیامی می کند، رکن است. این فرد اگر رکوع جلوسی کند، قیام نمیتواند انجام دهد و برای چنین فردی قیام رکن نیست و اگر قیام کند، رکن را انجام داده است. در باب تزاحم واجبات نماز، رکن بر غیر رکن مقدم است.

این دلیل هم ناتمام است، چون در واجبات نماز قائل به تزاحم نیستیم و باید دلیل ها را ملاحظه کرد که آیا باهم تعارض می کنند یا باهم تعارضی ندارند؟ لذا مثل محقق خوئی و محقق سیستانی ایماء را واجب می دانند؛ چون قائل اند که دو دلیل با هم مشکل ندارند، دلیل می گوید: کسی که می تواند بایستد، باید نماز ایستاده بخواند و اگر نمی تواند رکوع مناسب با نماز ایستاده بخواند، ایماء به رکوع می کند.

اشکال ما این بود که چنین اطلاقی در ادله نداریم اما دلیل وجوب رکوع اطلاق دارد و محکم است؛ لذا به این وجه ما قائل به وجوب رکوع جلوسی هستیم.

## صورت هفتم

متمکن از انحناء قیامی نیست و لو به حدی که صدق رکوع نکند و امرش دائر بین رکوع ناقص جلوسی و ایماء قائما است که این همان مساله 3 عروه است. رکوع جلوسی ناقص یعنی شرطی که مشهور برای رکوع جلوسی مطرح کردند (صورتش به محاذات زانوان برسد) را نمی تواند رعایت کند.

حکم این صورت را مطرح کردیم که صاحب عروه می فرمایند: باید ایماء کند و محقق نائینی فرمودند: رکوع جلوسی ناقص باید انجام دهد.

در این جا سوالی مطرح می شود که فرق بین دوران امر بین رکوع تام جلوسی و ایماء که صاحب عروه فرمودند: رکوع تام جلوسی بر ایماء مقدم است احتیاط مستحب این است که نماز دیگری با ایماء بخواند «و إن لم يتمكن من الانحناء أصلا و تمكن منه جالسا أتى به جالسا و الأحوط صلاة أخرى بالإيماء قائما»[[6]](#footnote-6) اما در رکوع ناقص جلوسی در مساله 3 فرمودند: باید ایماء کند، چرا ایشان در رکوع تام جلوسی فرمودند: رکوع تام جلوسی را مقدم بر ایماء کند اما در رکوع ناقص جلوسی فرمودند: بعید نیست گفته شود که ایستاده ایماء کند، فرق این دو چیست؟ محقق سیستانی فرمودند: بین این دو مساله فرقی نیست و ملاک این است رکوع رکن است و اهم از قیام است و لذا قیام در حال ایماء را رها کرده و رکوع را انجام می دهد و رکن رکوع عرفی است و این فرد نمی تواند رکوع قیامی کند، برای او رکن رکوع جلوسی می شود. اگر بتواند رکوع تام جلوسی انجام دهد، باید انجام دهد و الا رکوع ناقص جلوسی انجام دهد؛ چون رکن رکوع عرفی است و در حقیقت ایشان نظر محقق نائینی را علی المبنی تقویت کنند اما مبنای ایشان را قبول ندارند و در هر دو فرمودند: باید ایماء کند؛ (چه متمکن از رکوع تام جلوسی است و چه متمکن از رکوع ناقص جلوسی است؛) چون ادله می گوید: اذا استطعتم فصلوا قیاما اگر نمی تواند رکوع قیامی کند، ایماء باید بکند اما اگر این مبنای نائینی که بین رکوع و قیام تزاحم برقرار می کند و رکوع را بر قیام مقدم می کند، درست باشد، چه فرقی دارد؟ رکوع تام جلوسی یا رکوع ناقص جلوسی!

محقق خوئی فرمودند: فرق اش این است که رکوع تام جلوسی را می توان گفت اقرب به رکوع قیامی است تا ایماء اما رکوع ناقص جلوسی اقرب نیست.

جواب این کلام محقق خوئی این است که چرا رکوع ناقص جلوسی اقرب نیست؟ رکوع ناقص جلوسی بالاخره رکوع عرفی است، چرا اقرب نباشد؟ یا وجهی که ما گفتیم که ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا﴾[[7]](#footnote-7) رکوع ناقص جلوسی، رکوع عرفی است اما ایماء به رکوع، رکوع عرفی نیست و دلیل ایماء هم اطلاق ندارد؛ لذا ما هم صناعتا نظر محقق نائینی را قبول می کنیم اما در مقام فتوا احتیاط مناسب است.

## صورت هشتم

انحناء قیامی نمی تواند انجام دهد و فقط انحناء جلوسی می تواند انجام دهد به حدی که رکوع جلوسی هم گفته نمی شود، در این فرض اتفاق است که ایماء متعین است و این نظر صحیح است؛ چون قادر بر رکوع قیامی و جلوسی نیست و قاعده میسور هم مطرح نیست؛ چون کسی که متمکن از انحناء قیامی بود ولو صدق رکوع نکند، نسبت به او گفته می شود که قادر بر میسور از رکوع قیامی است اما این فرد که ایستاده نماز می خواند و برای رکوع فقط می تواند انحناء جلوسی کند به حدی که رکوع جلوسی هم صدق نمی کند، میسور از رکوع واجب در حق او نیست.

## صورت نهم

این فرد متمکن از انحناء به هیج وجه نیست نه انحناء قیامی و نه انحناء جلوسی، ابتدا اگر می تواند باید با راس ایماء کند و اگر با راس هم نمی تواند ایماء کند، اجماع است بر اینکه با چشمانش ایماء کند به اینکه در حال رکوع چشمش را می بیند و در حال سجود بیشتر غمض عین می کند.

### دلیل بر ایماء به راس و عین

روایاتی دلالت بر وجوب ایماء به راس دارد، مثل صحیحه حلبی «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَرِيضِ إِذَا لَمْ يَسْتَطِعِ الْقِيَامَ وَ السُّجُودَ قَالَ يُومِئُ بِرَأْسِهِ إِيمَاءً وَ أَنْ يَضَعَ جَبْهَتَهُ عَلَى الْأَرْضِ أَحَبُّ إِلَيَّ»[[8]](#footnote-8)

در مورد ایماء به عین روایت مرسله صدوق است که در وسایل ج 5 ص 484 آمده است:

«فَإِذَا أَرَادَ الرُّكُوعَ غَمَّضَ عَيْنَيْهِ»[[9]](#footnote-9) اما این روایت مرسله است و اعتباری ندارد؛ لذا دلیل بر اینکه عاجز از ایماء به راس، وظیفه اش ایماء به عین است، نداریم. محقق خوئی فرمودند: دلیل فنی ارائه می کنیم:

صحیحه زراره می گوید: «لَاتَدَعُ الصَّلَاةَ عَلى حَالٍ»[[10]](#footnote-10)، از طرف دیگر روایت می گوید: «الصَّلَاةُ ثَلَاثَةُ أَثْلَاثٍ ثُلُثٌ طَهُورٌ وَ ثُلُثٌ رُكُوعٌ وَ ثُلُثٌ سُجُودٌ»[[11]](#footnote-11) پس این مکلف باید نماز بخواند و نماز بدون رکوع هم که نمی شود انجام شود؛ پس کشف می شود که شارع یک رکوعی برای این فرد درست کرده است.

رکوع برای چنین فردی جزء غمض عین تصور نمی شود و احتمال ندارد که گفته شود مثلا پاهایش را برای ایماء به رکوع بلند کند، لذا ایماء به عین قدر متیقن است و اگر ایماء به عین هم ممکن نبود، محقق خوئی هم مثل صاحب عروه فرمودند: رکوع قلبی کند.

اشکال می شود که چرا در فاقد الطهورین این مسیر را طی نکردید و فرمودید ادای نماز از او ساقط است؟ ایشان می فرمایند: در آنجا دلیل داریم که «التراب احد الطهورین»[[12]](#footnote-12) و مفاد این روایت این است که طهور یا آب است و یا خاک و چیزی غیر از این دو طهور نیست.

و روایت « لَا صَلَاةَ إِلَّا بِطَهُورٍ‌»[[13]](#footnote-13) مفادش این است که نماز بدون طهور که نماز نیست اما در اینجا که دلیل نداریم رکوع منحصر در انحناء و یا ایماء به راس است؛ لذا این فرق بین دو مساله وجود دارد.

1. سوره الحج، آيه 77. [↑](#footnote-ref-1)
2. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج3، ص347.](http://lib.eshia.ir/11005/3/347/%D8%A7%D9%84%D8%B1%DA%A9%D9%88%D8%B9) [↑](#footnote-ref-2)
3. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج3، ص410.](http://lib.eshia.ir/11005/3/410/%D9%82%D9%88%DB%8C) [↑](#footnote-ref-3)
4. - العروة الوثقى (المحشى)، ج‌2، ص: 540 [↑](#footnote-ref-4)
5. سوره الحج، آيه 77. [↑](#footnote-ref-5)
6. [العروة الوثقی، السید محمد کاظم الطباطبائی الیزدی، ج1، ص666.](http://lib.eshia.ir/10028/1/666/%D8%A7%D9%84%D8%A7%D9%86%D8%AD%D9%86%D8%A7%D8%A1) [↑](#footnote-ref-6)
7. سوره الحج، آيه 77. [↑](#footnote-ref-7)
8. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج3، ص410.](http://lib.eshia.ir/11005/3/410/%D8%A8%D8%B1%D8%A7%D8%B3%D9%87) [↑](#footnote-ref-8)
9. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج5، ص484، أبواب ، باب، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/5/484/%D8%BA%D9%85%D8%B6) [↑](#footnote-ref-9)
10. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج5، ص275.](http://lib.eshia.ir/11005/5/275/%D9%84%D8%A7%20%D8%AA%D8%AF%D8%B9%20) [↑](#footnote-ref-10)
11. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج3، ص272.](http://lib.eshia.ir/11005/3/272/%D8%A7%D8%AB%D9%84%D8%A7%D8%AB) [↑](#footnote-ref-11)
12. - این تعبیر در روایات یافت نشده اما مشابه آن آمده است «فَإِنَّ التَّيَمُّمَ أَحَدُ الطَّهُورَيْنِ» کافی، ج 3، ص 64 [↑](#footnote-ref-12)
13. [من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج1، ص33.](http://lib.eshia.ir/11021/1/33/%D8%A8%D8%B7%D9%87%D9%88%D8%B1) [↑](#footnote-ref-13)